در یک مدرسه ی 160 نفره، 54 خانواده را متقاعد به حذف ماهواره کرده ایم

در یک مدرسه ی 160 نفره، 54 خانواده را متقاعد به حذف ماهواره کرده ایم.

گفت و گو با جهادگر فرهنگی، فرمانده واحد مقاومت کوثر فراشبند:

– سلام خدمت شما دوست عزیز. لطفا خودتون رو معرفی کنید؟

من هم سلام می کنم خدمت شما دوستان عزیزم.
من سیده فاطمه امیرسادات، فرمانده واحد دبیرستان کوثر شهرستان فراشبند هستم.

– بی هیچ مقدمه ای می ریم سر اصل موضوع، در مورد کاری که انجام دادید برای کسانی که گفت و گوی ما رو می خونن بیشتر توضیح بدید.

من بعد از اینکه فهمیدم تقریبا بیش از 68% دانش آموزان مدرسه در خانه ماهواره
دارند، تصمیم گرفتم که راه چاره ای برای حل این مشکل پیدا کنم. آن موقع
هنوز فرمانده واحد نبودم و کار زیادی از دستم بر نمی آمد ولی در تابستان با
شرکت کردن در دوره ی آموزشی یاوران ولایت این ایده به نظر من رسید و من
فورا آن را با 4 نفر از دوستانم در میان گذاشتم.
خودم خیلی اعتماد به نفس داشتم ولی دوستانم کمی با این کار مخالفت کردند چون امیدی نداشتند که
تا این حد به دانش آموزان مدرسه نزدیک شوند. خلاصه ما 5نفر با هم عهد
بستیم که کسی از این جریان با خبر نشود که اگر احیانا با شکست مواجه شدیم
مورد تمسخر دیگران قرار نگیریم. از همان روز نام گروه خود را یاران فاطمی
گذاشتیم و با تکیه بر خداوند و حضرت فاطمه(س) کار را شروع کردیم.

-کار خودتون رو چطور شروع کردید؟
تا یک هفته برنامه ریزی می کردیم که چگونه باید به بچه ها نزدیک شویم؟ و چه
حرف هایی باعث می شوند که آن ها تحت تاثیر قرار بگیرند؟ اول از نزدیکان خود
شروع کردیم چون آن روز ها با دانش آموزان مدرسه رابطه نداشتیم. البته از
این کار حتی خانواده هایمان نیز خبر نداشتند و ما به طور غیر مستقیم با
دختران اقوام حرف می زدیم. اول کار خیلی سخت بود ولی با این وجود بیشتر می
فهمیدیم که چگونه به بچه ها نزدیک شویم. مدرسه شروع شد و ما نیز از روز
پنجم مدرسه کارمان را شروع کردیم. زنگ های تفریح بهترین زمان برای برقراری
رابطه ی دوستانه با بچه ها بود. از دوستان صمیمی خود شروع کردیم تا رسیدیم
به مراحل سخت تر… بچه هایی که متقاعد کردن آن ها سخت بود. ولی با این همه
سختی توانستیم هم اعضای گروه یاران فاطمی را افزایش دهیم و هم باعث از بین
رفتن آن دجالواره در خانه ی بچه ها شویم.

– برای اثبات دوستی خود با دانش آموزان چی کار می کردید؟
من چون از سال اول دبیرستان بین دبیران و دانش آموزان محبوبیت کسب کرده بودم
توانستم خیلی زود با اطرافیانم دوست شوم و به همین وسیله دانش آموزان را به
طرف خود و بسیج مدرسه می کشیدم. و البته یکی از چیز هایی که من در دوره
های یاوران ولایت از خانم اصمی یاد گرفتم این بود که چه طور می توانم با
صمیمیت، مقدمه چینی و تحریک احساسات بچه ها را جذب کنم.

– احتمالا جلب اعتماد بچه ها کار راحتی نبوده! اون ها چطور به شما اعتماد کردن؟
ما سعی می کردیم با بچه ها خیلی صمیمی شویم که آن ها حرف دلشان

را با ما در
جریان بگذارند و ما از مشکلات آن ها با خبر شویم و با مشاوره دادن و روحیه
دادن به آن ها سعی در حل مشکلات آن ها می کردیم. ما به عنوان دوست آن ها
بهترین کار ممکن که می توانستیم برای آنها انجام دهیم این بود که حرف دل آن
ها را در دل خود نگه داریم و یک راز دار خوب باشیم.

– جهت آگاهی دادن به دوستانی که به دام ماهواره افتاده بودن چه کار کردید و چه نوع اطلاعاتی رو در اختیار آن ها قرار می دادید؟
ما با برقراری رابطه ی دوستانه با دانش آموزان تعداد کسانی که ماهواره دارند
را فهمیدیم. البته از قبل نیز تقریبا می فهمیدیم که چند نفر ماهواره دارند
ولی با این کار مطمئن شدیم که چند نفر هستند و این کار تقریبا حدود 45 تا
48 روز طول کشید. از بعد از این مدت کار اصلی خود را که همان سرد کردن دانش
آموزان نسبت به ماهواره بود را شروع کردیم. ما به طور مستقیم به آنها نمی
گفتیم که ماهواره بد است بلکه سعی کردیم آنها خودشان پی به بدی آن ببرند و
خطرناک بودن آن برای خود و جامعه را درک کنند. این روش طول می کشید ولی
نتیجه ی بهتری نسبت به این روش که به زور به آنها بفهمانیم که ماهواره بد
است، داشت. ما به آن ها می گفتیم وقتی نگاه به آن می کنند از نظر خودشان چه
نتیجه ای می گیرند و تا الان چه تاثیری روی اخلاق و رفتار شما و خانواده
تان گذاشته است؟ و آن ها خودشان با خود فکر می کردند و نتیجه ای را که از
حرف های ما می گرفتند را به ما می گفتند و با ما موافقت می کردند.

– طبیعتا کسانی هم بودند که با عقاید و کار شما مخالف باشند، شما

در برخورد با این افراد چه کار می کردید؟
بله کسایی بودند که خیلی مقاومت می کردند ولی با این وجود فقط داشتند خودشان
را توجیه می کردند. من در کلاس ندای فطرت شرکت می کردم و با کمک گرفتن از
دبیر عزیزم خانم ملکی میتوانستم آن دانش آموزان را متقاعد کنم البته ایشان و
کادر دفتری مدرسه از کار من و دوستانم خبر نداشتند چون همان طور که گفتم
ما راز دار آن بچه ها بودیم و از آن جایی که بیشتر دانش آموزان از خانواده
های مومن بودند می ترسیدند که پیش مدیر و دیگر افراد مدرسه زشت شوند. به
همین علت مدیر و خانم ملکی و حتی فرمانده ی حوزه نیز از این کار بی اطلاع
بودند. هنوز کسانی هستند که با ما مخالف و با ماهواره موافق باشند ولی ما
دست از سر آنها بر نمیداریم تا آنها را متقاعد کنیم که ماهواره زیان بار
است.

– در طول این مدت ناامید نشدید؟
استاد قدیم میگه که: در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است
من خیلی کم اتفاق افتاد که نا امید شوم ولی با تکیه بر خدا امیدوار شدم.
دوستانم بله…! خیلی ناامید شدند ولی من خیلی تلاش کردم که امید آن ها را
برگردانم. حتی شد که بعضی ها در اول کار کنار بکشند ولی کمک کردم که آن ها
را امیدوار کنم.

– چند تا خانواده ماهواره هاشون رو جمع کردند؟
ما اول خیلی ناراحت بودیم که کسی متقاعد نمیشه ولی با تلاش فراوان توانستیم
از یک دبیرستان 160 نفره که 93 نفر آنها دارای ماهواره بودند، تا الان 31

نفر را متقاعد کنیم که ماهواره را از خانه بیرون کنند. چون آنها دختر بودند
تاثیر بیشتری در خانواده می گذاشتند و بهتر میتوانستند پدر و مادر خود را
متقاعد کنند که ماهواره بد است و این تاثیر را با قهر کردن با خانواده، غذا
نخوردن و… می گذاشتند.
البته ما دقیقا 54 نفر را متقاعد کرده ایم. 31 نفر خود خانواده ی دانش آموزان بوده اند و 23 نفر نیز از اقوام نزدیک همان
دانش آموزان بوده اند یعنی ما اینقدر کار کرده بودیم که همان بچه ها
توانسته بودند روی عمه و خاله و دیگر اطرافیان خود را متقاعد کنند که
ماهواره بد است و آنها ماهواره را از خانه بیرون کنند.

– در ابتدای کار فکر می کردید کارتون به این اندازه نتیجه مثبت داشته باشد؟
نه

– با خانواده هایی که ماهواره هاشون رو حذف کردند، هنوز رابطه دارید؟ آنها از کاری که کردند پشیمون نیستند؟
تقریبا. نه حتی از ما ممنون هم هستند چون باعث شدیم بچه هاشون درس خون تر شوند و
هم از لحاظ عقلی رشد بهتری کنند و به آینده و درسشلان فکر کنند نه به لذت
های زود گذر.

نظر خانوادتون در مورد کاری که انجام دادید چیه؟ آیا اون ها هم در جریان این کار بودند؟
اولش آنها در جریان نبودند تا زمانی که آقای دوستدار برای جلسه شورای همفکری به
فراشبند اومدند و من موضوع رو بهشون گفتم و آنها اطلاع پیدا کردند. خیلی
از این کارم خوشحال شدند و از اون موقع به بعد من رو تشویق هم می کنند.

– بیشتر کدوم صحبت تون درباره معایب ماهواره تاثیر گذار بود؟

گفتم که زیاد معایب را ما نمی گفتیم سعی می کردیم خودشان بفهمند چه معایبی
ماهواره دارد. بیشترین عیبی که بچه ها هم از آن می ترسیدن گرفتار شدن به
روابط با جنس مخالف بود و میترسیدن که اگر گرفتار شوند آبروی خانواده ی خود
را از بین می برند.

– برای آینده چه برنامه ای دارید؟
سعی دارم این کار را گسترش بدهم و تا خانواده ی مسئولان هم پیش روم و ماهواره
را از خانه های آنها هم دور کنم. تعداد اعضای گروهم را افزایش دهم و تا
دانشگاه و بعد از آن هم ادامه دهم.

– یه صحبت با نوجونان های همسنتون؟
ماهواره بد است! هم برای خودتون وهم برای جامعه تون. همیشه بهترین ها را برای خود و جامعه ی خود بخواهید.

– انتظارتون از مسئولین چیه؟
اینقدر شبکه های خوب و سرگرم کننده تولید کنند که مردم به سمت برنامه های ماهواره نروند.

– یک دعا!
الهی! نگهدار این مملکت باش و آن را از هر گونه آسیب در امان دار.

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

منبع: بسیج دانش آموزی استان فارس